

# آثار غسان حمدان

- ۱) گزیده‌های اشعار فروغ فرخزاد، سوریه
- ۲) گزیده‌های از اشعار سهراب سپهری، سوریه
- ۳) گزیده‌های از اشعار احمد شاملو، سوریه
- ۴) گزیده داستان‌های جلال آل احمد، سوریه
- ۵) رمان چشم‌هایش از بزرگ علوی، سوریه
- ۶) رمان روی ماه خداوند را ببوس از مصطفی مستور، مصر
- ۷) استخوان خوک و دست‌های جدایی، مصطفی مستور، مصر
- ۸) روضه قاسم از امیرحسن چهلتن، مصر
- ۹) همنوایی شبانه از کستر چوب‌ها از رشا قاسمی، مصر
- ۱۰) البعثة الاسلامیه، صادق هدایت، لبنان
- ۱۱) آثار کامل داستانی صادق هدایت، لبنان
- ۱۲) نون والقم، جلال آل احمد، مصر
- ۱۳) رسائل فلسفی ملا صدرا (۴ جلد)، لبنان
- ۱۴) ترانه‌های عمر خیام تصحیح صادق هدایت، لبنان
- ۱۵) گاوخونی، جعفر مدرس صادقی، لبنان
- ۱۶) همرا با باد از عباس کیارستمی، لبنان
- ۱۷) سرگذشت کندوها از جلال آل احمد، لبنان
- ۱۸) این سگ می‌خواهد رکسانا را بخورد از قاسم کشکولی، عراق
- ۱۹) دوازده کتاب دیگر که در حال ویرایش نهایی هستند.

- ترجمه آثار ادبی از عربی به فارسی:
- ۱) اشک‌های آبی، اشک‌های زرد، گزیده اشعار محمد مافوط، نشر مروارید
  - ۲) پزشکی قانونی بغداد، رمانی از برهان شاولی، نشر بوتیمار
  - ۳) باب العبد، رمانی از ادهم العبودی
  - ۴) تپش‌های شیدایی، نامه‌های عاشقانه غسان کشفانی به غاده السمان
  - ۵) سرای شایندر از محمد حیایوی

پایان‌نامه درباره ادبیات تطبیقی ایران و کشورهای عربی خوانده‌ام. اما این را باید بگویم هر یک از این کشورهای عرب، ویژگی خاص خودش را دارد. رمان لبنانی با عراقی یا مصری و حتی مراکشی تفاوت فراوانی در سبک نگارش، تکنیک و حتی موضوع و تم داستانی دارد. شیوه نگارش جریان سیال ذهنی به ندرت در ادبیات عرب یافت می‌شود و کم کار شده است. رمان کویتی بیشتر درباره افراد ثروتمند و رفتار آنان است. ورود کارگران، خدمتکاران و مریبان آسیایی به فضای بسته و سنتی خانواده‌ها، وجه مشترک اغلب رمان‌های کویتی است. محمود احمد السید با رمانش «جلال خالد» در سال ۱۹۲۸، نخستین رمان عراقی را رقم زد. اغلب داستان نویسان عرب در درجه اول تحت تاثیر ادبیات استعمار عثمانی بودند و پس از آن ادبیات روس، مصری، هانزی که به «فرنگ» رفته بودند، به تقلید از آنها پرداختند. وجه مشترک همه رمان‌های عرب

در حدود صدسال پیش، بررسی زندگی روستایی و شکایت از عقب‌ماندگی مردم آنجاست. جالب اینجاست که محمود احمد السید رمانش را درباره هند نوشته است. او سفری به هند داشت و از پیشرفت این مستعمره بریتانیایی در مقایسه با عراق آن زمان، شگفت‌زده بود. شاید بتوان او را با صادق هدایت و بوف کورش تشبیه کرد، اما موضوع رمان‌ها فرق می‌کند. به هر حال همین پرداختن به مشکلات روستا و عقب‌ماندگی آن، ممکن است شباهت رویکردی در رمان فارسی و عربی باشد. چرا که قرن‌هاست تبادل فرهنگی بین ایران و عرب‌ها صورت نگرفته بود. ترجمه رمان و شعر ایرانی در دهه ۱۹۷۰ میلادی به مدت کمتر از شش سال در مصر شروع شد. بیست سال بعد، نیز برای تقریباً همین مدت یا کمتر، رمان ایرانی ترجمه شد. با توجه به این محدودیت، نمی‌توان گفت شباهت زیادی وجود داشته. زیرا در همه کشورهای جهان سوم از اندونزی تا هند و عراق و مصر، همه و همه از عقب‌ماندگی مردم روستاها و ظلم با آنها شکایت کرده‌اند. تحولات ۱۹۶۰ در این کشورها (به استثنای هند) توأم با کودتا و دیکتاتوری بود. از این زمان به بعد، بیشتر زندگی شهری و زندان‌ها جای خود را در رمان پیدا کرد.

## به عنوان یک مترجم، جهان داستانی کدام نویسنده‌ی ایرانی و عربی را نزدیک به هم می‌دانید؟

عبدالرحمن منیف و احمد محمود... منیف در رمان پنجگانه «شهرهای نمک» به کشف نفت و تغییر چهره روستایی و شهری عربستان پرداخته. رمان «مدار صفر درجه» احمد محمود نیز تغییر چهره شهری اهواز و مردم آن را در یک روند چند ساله بازگو می‌کند. جالب اینجاست که احمد محمود داستانی بسیار شبیه به داستان «سگ‌ها و دزد» می‌افند و شخص اشتباهی را می‌کشد. در رمان «سگ‌ها و دزد»، این سارق است که باز می‌گردد و شخص اشتباهی را می‌کشد! شاید بتوان گفت دلیل این شباهت و نزدیکی را در فضای عربی خوزستان بودن و نزدیکی آن با عراق و کویت و حتی ارتباط شواهدی با رادبو قاهره دانست. تحولات جهان عرب در سال‌های پیش را بیشتر کارشناسان مسائل سیاسی دنبال می‌کردند، ادبی‌ای ایرانی بیشتر به فکر مشکلات سیاسی و اجتماعی خود بودند. اما احمد محمود آعجوبه دیگری بود. احمد محمود عربی را می‌فهمید. رمان «آدم زنده» وی انگار نوشته یک عراقی است نه ایرانی. شاید جالب باشد که بدانید رمان «زمین سوخته» وی بدون اینکه ترجمه شود، نمونه مشابهش را در میان چند رمان عراقی می‌توان پیدا کرد. احمد محمود باید بار دیگر خوانده شود.

احمد محمود آعجوبه بود و عربی را می‌فهمید. رمان «آدم زنده» انگار نوشته یک عراقی است نه ایرانی. مشابه رمان «زمین سوخته» احمد محمود بدون اینکه ترجمه شده باشد در میان چند رمان عراقی پیدا می‌شود.

استثنای هم وجود دارد. به نظر من مترجم وظیفه دارد شاخص فرهنگی یک کشور را معرفی نماید. پس از ترجمه رمان «روی ماه خداوند را ببوس» بسیاری ایراد گرفتند که چرا رمان عامه‌پسند ترجمه کردم. برای این که نباید در کارم حب و بغض وجود داشته باشد. مترجم، منتقد ادبی نیست. مترجم وظیفه دارد سلیقه ادبیات هر کشوری را برای دیگران معرفی کند. اینک که در حال کار روی رمان‌های هدایت هستم، می‌بینم رمان‌های معاصر بسیار بهتر، تکنیکی‌تر و حرفه‌ای‌تر از مثلاً «علویه خانم» و «حاجی آقا» هستند. آیا باید این رمان‌های قدیمی را ترجمه نکنیم؟ از طرف دیگر باید رمان ترجمه شده مخطی در جهان عرب پیدا کند و این جزو اولویت‌هاست.

رمان «ناشاد» آقای محمد حسین محمدی که در ایران به نام «سیاسر» چاپ شده، ترجمه کردم و در حال ویرایش آن هستم. جای رمان افغانستان در جهان عرب واقعا خالی است. جهان عرب فقط کارهای عتیق رحیمی و خالد حسینی را می‌شناسد که البته از زبان انگلیسی یا فرانسوی ترجمه شده‌اند. فکر نکنم زمانی از فارسی دری به عربی ترجمه شده باشد. کارهای آصف سلطان زاده دیگر نویسنده معروف افغانستانی نیز جزو لیست ترجمه‌هاست. ضوابط من برای ترجمه، معرفی چهره‌های ادبی در درجه اول، و کیفیت اثر در درجه دوم و همچنین تاثیر گذار بودن آن در جامعه ایرانی یا افغانستانی است. این که چه ویژگی در رمان باشد، انسان مدار بودن پیام رمان و تاکید بر فضایل اخلاقی است.

## شما ترجمه‌های آثار فلسفی فارسی را نیز در کارنامه‌تان دارید. شما به عنوان یک مترجم، تاثیر فلسفه‌ی ما را چقدر بر آثار معاصر می‌بینید؟

ببینید، نخستین فیلسوف عرب، ابویوسف یعقوب بن اسحاق کندی است. وی در بصره به دنیا آمد و در بغداد و کوفه زیست. کوفه محل زیست بسیاری از علمای ایرانی بود. نسل جدید ایرانیانی که آموخته‌های زرتشتی و حتی مزدکی خود را با اسلام آمیختند. از طرف دیگر فراموش نکنیم که پیروان مانی هنوز وجود داشتند. همه اینها تاثیر فراوانی بر رشد فکری کندی داشت. وی بعدها از فلسفه یونان آگاه شد و در تلفیق دین و فلسفه کوشش کرد. مامون عباسی «بیت‌الحکمه» را تأسیس کرده این سازمان علمی وظیفه ترجمه متون یونانی و حتی فارسی پهلوی را بر عهده داشت. فلاسفه جهان اسلام بر اساس فلسفه یونانی و ایرانی اجتهاد کردند. از این گذشته اغلب فیلسوفان اسلامی همچون ابن سینا، فارابی، فخر رازی، سهروردی، خواجه نصیرالدین طوسی، میرداماد و ملاصدرا ایرانی بودند و یا در خراسان به دنیا آمده بودند. همه اینها تعالیم خود را در شهرهای مختلف ایران فرا گرفته بودند. فلسفه یونانی با فلسفه مبدأ آنها آمیخته شد و این چنین مکاتب فلسفی نوینی آفریدند. اما چون زبان علمی آن زمان عربی بود، به نام فلاسفه عرب و مسلمان ذکر شده‌اند. از بطن این فلسفه اسلامی-یونانی، تصوف و عرفان زاییده شد.

## شباهت‌های رویکردی در رمان فارسی و عربی ناچه اندازه است؟ و این همجواری مرزی، بین این دوزبان چه تبادلاتی را رقم زده است؟

راستش به نظر من این شباهت‌ها کم است. هر چند که چند نمونه



### مسافر

ترجمه اشعار سهراب سپهری  
دمشق

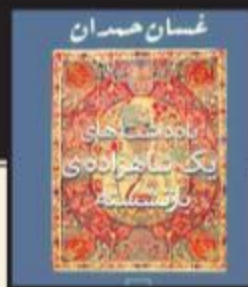
نشر وزارت فرهنگ سوریه/ ۲۰۰۷



### رمان غسان حمدان

قاهره

نشر دارالربع العربی/ ۲۰۱۵



### شعرهای غسان حمدان

تهران

نشر مضمون/ ۱۳۹۶



### اشعار فروغ فرخزاد